



۲۰۱۸/۰۲/۱۸

محمد عارف عباسی

۲۶ دلو سال ۱۳۶۷ هجری شمسی مطابق ۱۵ فیبروری سال ۱۹۸۹

دردا و حسرتا! غرق دریای حیرتم که چرا ما مردم در برابر پرافتخارترین روز تاریخ میهن عزیز خود بی پروا، بی تفاوت و سطحی نگرییم. روزها و شبها در تفکر که دلیل اصلی را بیایم که آیا در حق شوروی زمان در مروت سخاوت می ورزیم و یا در حق آنهایی که چنین افتخار را به ما آفریدند جفا نی بلکه گناه می نمایم.



چون شوروی زمان قامت بلند، آزاده، باغرور و شامخ مردمان آزاد منش و حریت پرست این وطن را به انواع قدرت خود خم نتوانست ولی ما را در طلسم جادوی خود چنین مسحور نگهداشته که از استعمار علنی و تجاوز برهنه ای آن با تمام جنایات آن سطحی تیر شده، و تنها انگلیس را استعمار گر و متجاوز دانسته (که بود) استرداد استقلال خود را از انگلیس تجلیل می کنیم، که البته از بزرگترین افتخارات افغانستان در آن شرائط و عصر و زمان بود. ولی از استقلال دوم که شکستن زنجیر استعمار و اسارت روس است خموشیم چرا؟

هموطن عزیزم، خواهر و برادر محترم !

روز ۲۶ دلو سال ۱۳۶۷ هجری شمسی درخشانترین و پر افتخارترین روز در تاریخ وطن من و شما است در این روز اردوی شکست ناپذیر سرخ با شرم آورترین شکست غیر قابل تصورش توسط فرزندان کوه پایه های هندو کش، بابا، سلیمان سپین غر، و سیاه کوه سرافکنده از پلی که برای تسلط بر این دیار ساخته بودند عبور و از افغانستان خارج می شوند. به نام خدا که افتخار بالاتر از این، با تمام تفاوت های غیر قابل باور، برای یک ملت میسر است.

ملت افغانستان کجا و نیروی قهار و هیبت آتش اردوی سرخ کجا، تفنگ چقمقی و دهن پر و یازده تیره قرن هژده کجا، سیخ تنور و کدال و تیر کجا، کلاشنکوف و درشکه ماشیندار ثقیل، هاوان و راکت انداز، تانک های ثقیل و زره پوش، توپ میل دراز دور زن و راکت های سام کجا، عصری ترین طیارات بامت افگن و هلیکوپتر های مشیندار سوار و توپ دار کجا. چیغ، فغان، ناله، گریه و فریاد زن و طفل بی دفاع افغان کجا و وحشت و بربریت اعضای حزب کمونست افغان و بادارانش کجا.

در حالی که شوروی با هیولای وحشت ناک ماشین جنگی و افراد اردوی سرخ مستقر در داخل وطن آهنگ ستیز با بی غرض ترین، صلح دوست ترین، خوش قلب ترین و خوش باور ترین مخلوق روی زمین کرد.

ما با اعلامیه های مشترک که از حسن همجواری، زیست باهمی با نظام های متفاوت، احترام متقابل و به رسمیت شناختن حاکمیت ملی و تمامیت ارضی و عدم مداخله در امور داخلی هم دیگر می شنیدیم خاطر جمع بودیم که همسایه خوبی داریم و متخصصین شان با مردم ما به درخت توت بلا شده توت می خوردند.

اما نمی دانستیم که در ظاهر این دوستی در خفا ماری در آستین ما پرورش می دهند و آنها را در واقعیت آرزوی اشغال این دیار اندر خیال است.

با حيله و نیرنگ و اغوا پیر مرد ملی گراء و وطن دوست با استفاده از نقطه ضعف او شرائط توسعه، تقویت و تسلط حزب مزدور خود را بر تمام شئون و امور مملکت مساعد گردانیده با کودتای خونباری رژیم گماشته خود را به اریکه قدرت تکیه دادند.

ولی این ملت دراک و هوشیار دیگر ازبکستان، تاجکستان، قرغزستان، ترکمنستان و آذر بایجان و غیره نبود، و شرائط دنیا هم تغییر کرده بود از نخستین روز های حکمروایی این حزب چهره حقیقی و ماهیت و اهداف آن را خوب فهمیده نطفه مخالفت و مقاومت در هر گوشه و کنار در بین همه اقشار جامعه بسته شد و زنجیر مقاومت مردم دور گلوی رژیم چنین حلقه زد که دم های واپسین می کشیدند و متلاشی شدن شان قطعی بود و امکانات زوال از درون حزب پدیدار گشت. کرملن برای جلوگیری از این زوال و فروپاشی زمینه را برای تحقق آرمان های دیرینه اش مساعد دیده، سردمداران یکه تاز و متکبر اتحاد جماهیر شوروی قیام ملت افغانستان را اهانت بزرگ به عظمت و حیثیت محور کشور شورا ها دانسته آن را برای همبستگی زحمت کشان جهان و راه و مکتب لینن غیر قابل تحمل تلقی نموده به اردوی شکست ناپذیر سرخ امر سرکوبی افغان ها دادند، تاریخ این مملکت و گذشته و تجارب دیگران را در برخورد با این ملت به مسخره گرفتند. چون قیام های چکوسلواکی، هنگری و پولند را سرکوب کرده بودند، به اساس محاسبه اراکین نظامی شوروی کار افغانستان در حد اکثر ۶ ماه یک طرفه شده و رژیم گماشته شده به آرامش خاطر

حلقه بردگی را بر گردن ملت افغان خواهد آویخت و شوروی یک قدم دیگر به طرح های قبلی خود یعنی هم به آب های گرم و هم به منابع مواد سوخت نزدیک می گردد و سیاره دیگر دور مدار حاکمیت شوروی به چرخش می آید. حتی دنیا کار افغانستان را ختم دانسته و از دیر زمان این کشور را در ساحه فضای نفوذ جغرافیایی و سیاسی شوروی می دانستند. ولی واقعیت های عینی افغانستان، سر سپردگی مردم آزادی خواه آن و ساختار اراضی، کوه پایه ها و دره های محافظ این راد مردان با شهامت محاسبه شوروی که زمین زیر پای اردوی سرخ می لرزید غلط از آب در آورد، همه افشار ملت به نحوی با نهضت مقاومت پیوسته و با گذشت هر ماه و سالی پای شوروی و رژیم دست نشانده اش در گرداب بلعنده نیروی مقاومت مردم و پشتی بانی سیاسی، نظامی و اقتصادی مقصد والا های دیگر فرو می رفت.

بعضی ها این مقاومت ده ساله مبارزین سر به کف افغان را جنگ امریکا می دانند در حالی که بینی یک امریکایی در این جنگ خون نه شده، این پیروزی محصول خون ۱۸۰۰۰۰۰ (احصائیه سازمان حقوق بشر ملل متحد) افغان ویرانی سرتاسری وطنش و مهاجرت ۷ میلیون باشنده اش بود.

ملت افغانستان با پرداخت قیمت بس گران تلفات جانی و ویرانی وطن و فرار مغز های متفکر اهل فن و دانش خود اتحاد شوروی را با همه ابهت و قدرت و عظمت آن به زانو در آورده به افلاس کشانید و تأثیرات همه جانبه ای پیروزی افغانستان و شکست شوروی در جنو پالتکس دنیا و درهم شکستن ساختار دو قطب رقابتی جنگ سرد و آزادی کشور های شرق اروپا هر یک بحث جامع و علیحده است که دگران را فیض بخشید ولی ما را روانه بدبختی و فلاکت نمود.

شوروی را در دل و دماغ هراس بزرگی از خروجش بود که مبدا به سرنوشت انگلیس ها در سال ۱۸۴۱ مبتلا نشود. گرچه خروجش از طریق هوا میسر بود ولی بیرون شدن از راه زمین را یک بینی خمیری پنداشته به دامن امریکا دست انداخت و مدد خواست و خود هم ره سازش و وعده های سر خرمن با یک جبهه داد و امریکا با پرداخت مبلغ گزافی به مشتری قبلی اش مصونیت خروج شوروی را از افغانستان فراهم ساخت.

هموطن بزرگوارم!

روز ۲۶ دلو یعنی خروج اردوی ورشکسته و سر افکنده شوروی از خاک مقدس ما مجزا از وقایع قبلی و حوادث متعاقب آن به حیث پر افتخار ترین روز تاریخ این میهن باید بزرگداشت نموده و اولیاء امور به حرمت و پاس شهدای گم نام این آزادی و قهرمانان واقعی و اصیل این روز را استقلال دوم افغانستان اعلام نموده در جنتری رسمی رخصتی عمومی برگزار شده محافل بس پر شکوه در حلقات فرهنگی دائر گردد.

البته بعد از خروج قوای سرخ در کشور بازی های گوناگون صورت گرفته و ساخت و بافت های غیر قابل باور عملی شد. انشعاب بزرگی در حزب بر سر اقتدار رونما گردیده ائتلافات خلاف اصول مکتبی شان بعمل آمد و در برابر آخرین گماشته زیرک و ماهر شوروی تمرد صورت گرفت.

لطفاً ۸ ثور را به هیچ صورت به روز ۲۶ دلو سال ۱۳۶۷ هجری شمسی ارتباط ندهید و نگذارید که وحشت، بربریت، جنایات، پیوند های غیر ملی، کردار و اعمال ضد مردمی رؤسای تنظیمیه بر عظمت و درخشش این روز پر افتخار سایه بیفکند.

پایان